

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

احمدشاه وردگ – کابل

۰۴ جولای ۲۰۱۱

راکت زنی پاکستانی ها و غوغا های مزدوران اجانب،

برای ایجاد لشکرگاهای استعماری امریکا

هموطنان گرامی ما اطلاع دارند که رژیم دست نشانده نظامی پاکستان در هفته های اخیر ولایات شرقی کشور را مورد هجوم راکت های خویش قرار داده و تلفات مالی و جانی رابه جای گذاشته اند.. ما با تقبیح نمودن این عمل خاینانه رژیم مزدور پاکستان انزجار و نفرت شدید خویش را اظهار داشته وبه قربانیان این حملات ناجوانمردانه وبزدلانه رژیم کودتائی، ابراز تسلیت و همدردی می نمایم.

اگر به ماهیت رژیم پاکستان وتاریخچه به وجود آمدن آن نظری اندازیم به خوبی درمی یابیم که رژیم های مزدور و غلام همیشه از عقب ضربه می زنند. حکومت پاکستان در زمان جهاد مقدس مردم افغانستان وحوادث بعدی این را به اثبات رسانیده است که همیشه به اشاره بادران و ایجاد گران خویش عمل کرده ودراین راه نه به دین مقدس اسلام و ارزش های آن و نه هم به حقوق همسایه داری با کشورما، اندکترین پابندی نداشته است ومانند هر ناخلفی همیشه ما را از عقب به خنجر زده است.

ولی نظامی گران پاکستانی چرادراین مقطع زمانی بالای ولایات سرحدی کشور ما حمله کرده اند؟ وکی ها ازین حمله پاکستان سود می برند وعواقب آن به نفع کدام کشور ویا کدام گروه داخلی می باشد؟

رسانه های دولتی وغیر دولتی حملات پاکستان را وسیعا انعکاس داده ودرزمینه احساسات وعکس العمل های هموطنان ما را نیزبه طور وسیعی منعکس ساخته اند. ازجمله سایر رسانه های الکترونیکی سایت افغان-جرمن آنلاین هم دردریچه نظرخواهی مضمونی ازآقای اعظم سیستانی تحت عنوان(حملات راکتی پاکستان وخاموشی دولت مردان افغانستان) رابه نمایش گذاشته است که هموطنان ما درآن نظریات خویش را ابراز داشته اند درحالی که آقای سیستانی به خوبی می دانند که کشور ما اشغال شده وما به نام دولت مردان کسی را نداریم . اینجانب هم به صفت یک افغانی که درمدت سی ودو سال جنگ و ویرانی درداخل کشوردرخدمت مردم مظلوم خویش بوده ودرحال حاضر تاثیرات ناگوار جنگ نامقدس امپریالیزم امریکا را با پوست و گوشت خویش درک می کنم واز

دوماه به اینطرف، فامیلیم هم مجبور به ترک خانه وکاشانه خویش گردیده است و مثل صدها و هزارها فامیل دیگر ولایت وردگ به کابل ویا ولایات همجوار مهاجرگردیده اند، نظر خویش را درباره حملات "پاکی ها" اظهار داشته ام به یک نکته تأکید نموده ام که علت اصلی بحران درکشوردردان سوی اوقیانوس ها قراردارد! نوشته ام مورد انتقادات شدید آقای سیستانی، ولی احمد نوری ویک تعداد دیگری قرار گرفت (نوشته اینجانب فعلا هم درسایت مذکور موجود است). آقای نوری که قبلا هم درسایت مذکور به طرفداری لشکرگاہای امپریالیزم بیرق بلند کرده بودند وچند دانشمند وطن دوست ما را که با دلایل علمی ومنطقی خویش پرده ازاهداف استعماری امریکا برای ایجاد این لانه های ترور واختناق ابراز نموده بودند نصیحت های داشته اند و چنین وانمود کرده بودند وحتی فتوا داده بودند که بدون پایگاههای امپریالیزم کشورما ازنقشه دنیا محو خواهدشد! ومارا همسایه های زورگیرما خواهند بلعید که جویبیه آن توسط همین قلم درپورتال آزادگان (افغانستان آزاد-آزادافغانستان) به نشر رسیده است.

آقای نوری مرا به جاسوسی به ایران متهم نموده بودند وتوصیه نموده بودند که اذهان مردم را خراب نسازم ورنه سایت افغان جرمن نظریات مرا نشر نخواهد کرد(که چنین هم شد) ویک بی جرأت دیگری به نام مستعار پیر محمد بابر ازمن خواسته بودند که باید نامم را به چودهری حمید گل تغییر دهم وآقای سیستانی هم ضرب المثل مرا به رخ کشیده بودند که جای استعمالش رانمی دانم، ونوشته ولی احمد نوری را سیلی محکمی برخم نامیده بودند.

از همه اینها که بگذریم وبه اصل مطلب رجوع نمایم یک چیزرا احساس ودرک می نمایم که امپریالیزم درحال مرگ امریکا به هرقیمتی می خواهد که اشغال خویش را توسط مزدوران خویش درداخل وخارج کشوربالای این ملت بقبولاند وآنرا درهفت پرده دموکراسی نام نهاد خویش بیچانند، وتمام سناریوهایی که امروز تیاترغم آباد مارا فراگرفته ازقبیل بحران پارلمان پوشالی وقوه قضائیه، افشای فساد کابل بانک، قطع کمک های بانک جهانی وصندوق بین المللی پول، تشدید حملات مخالفین دولت، لویه جرگه فرمایشی آینده وکنفرانس بن دوم وسایر غوغاها وهیاهوهای که دراطراف مسأله افغانستان دراین روزها سرخط اخبار قرار گرفته به همین هدف ومنظور صورت می گیرد(به مرگ بگیرش که به تب راضی شود).

حکومت ارتش پاکستان که بعد ازکشته شدن رهبر القاعده با یک نوع خجالتی ودروغ گوئی نزد اربابان خویش قرارگرفته اند، می خواهند حلال خدمتی نموده وروی سیاه خویش راکمی سفید جلوه دهند. برای همین منظور به دستور امریکا-انگلیس بالای ولایات همجوارخویش به خاک ما تعرض نظامی کردند تا وضعیت را چنان جلوه دهند که درصورت نبود قوای اشغال گر ما چنین زور وطاقتی هم داریم. ازطرف دیگر مقامات سیاسی ونظامی امریکا ازجمله وزیردفاع درحال تقاعد رابرت گیتس دراین تازگی ها اعلان داشت که ایران به دست طالبان راکت های دوربرد وماین های پیشرفته گذاشته است! وچندین اعتراض واتهام دیگری رانیزعلیه سپاه پاسداران رژیم سفاک آخوند های تاریک اندیش نیز، وارد ساخته اند.

امریکا ومزدوران قلمی ایشان یک کمپاین بزرگی را به راه انداخته اند وقضیه راکت زنی پاکستان را طوری تبلیغ می نمایند که گویا این باراول پاکستان باشد که به خاک ما تجاوز می کنند، گروه های مزدور جنایتکاران اداره کابل با مزدوران قلمی امپریالیزم دراروپا وامریکا دراین داعیه طوری قلم فرسائی می کنند که تمام مشکلات ما دروجود پاکستان وایران خلاصه می شوند. واین دوگروه متضاد که چتلی های زیادی به رخ یکدیگر خویش می پاشند می دانند که اداره پوشالی کابل به مانند هر اداره مزدور روزهای واپسین حیات خویش را سپری می نماید ودرحال جانکندن است، تلاش می ورزند تا به امپریالیزم امریکا حلال خدمتی نموده ودراداره آینده که دربن دوم ویا کدام جای دیگری ازدنیا بالای این ملت تحمیل شوند، جای پائی ومقامی داشته باشند. سخنان ولی احمد نوری وآقای

آکادمیسین طراز امپریالیزم شوروی با عبدالله مربع و ناصالح و اتمرلنگ یک صدا شده و می خواهند ذهنیت توده های مردم را علیه مشکل فرعی ما (پاکستان-ایران) متوجه ساخته و بالای اصل اشغال پرده اندازی نمایند. آقای نوری خو چنان گرویده سخاوتمندی های امریکا شده و در نوشته های خویش با چشم درائی خاص ارقامی به رخ ماکشیده که نمی دانم امریکا چند میلیارد دالر مصرف اردوی ملی؟ و پولیس ملی؟ ساخته، چند شفاخانه و سرک جورکرده و معاشات اعضای حکومت و پارلمان را هم می پردازد.

به لحاظ خدا! به لحاظ مردم هر دم شهید ما! به لحاظ خون همین شهدای دیروز ننگرها و کتر و خوست ما! بس کنید و روزهای اخیر زندگی تان را که پاهای تان در لب گور قرار دارد، به صداقت و ایماندارای سپری کنید؟ و راست خود را بگوئید.

این آقایان خود چشم بصیرت ندارند و یا ملت ما را کور و کور فکر کردند؟ کدام اردوی ملی؟ اردویی که از قومندانان بدنام خادی- تنظیمی و ملیشه های روسی ساخته شده؟ و تمام روز به اهداف گروهی و تنظیمی خویش می اندشند و رقبای دوران سگ جنگی های خویش را نشانه می گردند و یا به نام طالب بالای پشتون های بی دفاع سلاح می کشند و آنان را مجبور به ترک خانه و کاشانه خویش می سازند و مجبورش می سازند که علیه خودش و بدارانش دست به حملات و انتحار بزنند؟

اقلابه نوشته های باداران خویش نگاه کنید که خود می فرمایند که این اردو بعد از خروج ما یک هفته هم تاب نمی آورد؟ پس این همه مصارفاتی که آقای نوری به رخ ما می کشد کدام درد ما را دوا می سازد؟ آقای نوری یاد کردند که امریکا ۲۰ میلیارد دالر مصرف اردو نموده است! ولی آقای نوری خیر ندارد که این ۲۰ میلیارد را پس کمپنی های امریکائی که از بحران اقتصادی به سقوط مواجه بودند به یغما بردند و حتی کارگران رانیز از ترکیه، فلپین و سایر کشورها آوردند و به اردوی نام نهاد ما از مواد پلاستیکی (تریدی پنیل و درای وال) مراکز فرقه و قل اردو ساخته اند که به یک چوب گوگرد (گلدین و یا برهان الدین- بخوانید بحران الدین) از بین می روند و در آن سیستم های برقی و کانالیزاسیون بسیار عصری نصب کردند که منسوبین اردو چه بلکه مردم شهری ما نیز به استعمال آن آگاهی ندارد و هر جنراتور آن در ساعت ۲۰۰۰۰ لیتر تیل مصرف دارد. تمام مواد ساختمانی از قفل گرفته تادر و دیوار از کمپنی های امریکائی و یا شرکای منطقه ئی آنها خریداری گردیده و این مراکز بعد از تسلیمی به اردوی نام نهاد ملی ما در مقابل ملیون ها دالر به یک کمپنی دیگر امریکای- اروپائی برای مینتیننس (حفظ و مراقبت) داده شده است و بالای هر مرکز نظامی کم از کم الی صد ملیون دالر مصرف شده است. این هم مثنی از خروار به قول آقای نوری از سخاوتمندی امریکا به مردم ما.

به آقای نوری نوشته بودم که لطف نموده یک ارقامی از کمک های بی شایبه؟ امریکا به ما بیچارگان به زیر بنای کشور ارایه نمایند و آقای سیستانی می توانند کمک شان نمایند؟ ولی نتوانستند که با داشتن القاب دوکتورا و آکادمیسینی شوروی یک لست را در سایت خودشان (افغان-جرمن بخوانید جرمن- امریکن) ارایه دارند. شرم نیست که آقای نوری مثال می آورند که امریکا به پارلمان ما معاش می دهد! لعنت به آن پارلمان که معاشاتش را یک ظالم خونخوار متجاوز که روزانه صدها هموطن ایشان را به خاک و خون می کشاند، تأدیه می کند و هیچ عضوی ازین پارلمان از راه مشروع به این شرمکده راه نیافته است چنانچه بوی رسوائی های اخیرش داخل و خارج کشور را متعفن ساخته است! آیا برای هموطنان ما واجب است تا از معاشات پارلمان از امریکا تشکری نماید؟ و به پایگاههایش لیبیک بگویند؟ مردم ما به حق می گویند که امپریالیزم اولاد ما را واکسین فلج و دیگر امراض می کنند تا قابلیت

اصابت مرمی های امریکا را پیدا کند؟ آیا اینطور نیست؟ روزانه صدها و هزار جوان ما قربانی سلاحهای مرگ بار امریکا نمی شوند؟ آیا جدید ترین سلاح امریکا در کشور ما بالای مردم بیچاره ما آزمایش نمی شوند؟ یک بار این آقایان باید به گریبان خویش نگاه کنند که بعد از گذشت ده سال و مصرف ملیاردها دلار و کشته شدن هزاران باشنده این خاک، ما درجائی قرار نداریم که بیست سال پیش قرار داشتیم ویا عقبتر از آن؟ یکبار از نگاه حکومت سازی و نهادسازی و پیشرفت و ترقی وطن خویش را ارزیابی نمائید و بگوئید که ما در کجا قرار داریم؟ و لطف نمائید یک نهاد ویا یک پروژه را نام بگیرید که بعد از خروج امریکا به درد ما بخورد؟؟؟ پس اگر ده و یا بیست سال ویا هم برای دایم العمر به فرمان امریکا گوش دهیم؟ چیزی به دست ما نمی آید و روز سیاه ما روشن نمی شود. بلکه در موجودیت اردوی بی بند و بار جنایتکاران حرفه ئی به مشکلات و مصایب ما افزوده خواهد شد و قسمی که در نوشته خود ذکر کرده بودم از امکان دور نیست که فردا چین، روسیه ، ایران ویا کدام کشور دیگری هم به حریم کشوری ما حمله نکند؟ چون لشکرگاهای شیطنانی امریکا برای مزاحمت به دیگران ایجاد می شوند و دیگران نیز به خود حق خواهند داد که مارا مورد فیر سلاحهای خویش قرار دهند(ایران به صراحت از افغانستان نام برد که در صورت حمله امریکا به این کشور، به افغانستان حمله خواهند کرد).

هموطنان گرامی! اولاً خو امریکا از هیچ کسی اجازه نگرفته و نه باکسی مشوره کرده که به افغانستان تجاوز کرد! و فعلاً هم به حلال خدمتی نوری ها و امثال اینان ضرورت ندارند چون امریکا ستراتیژی جدیدی خویش را در منطقه، که دربرگیرنده مصارفات گزاف پرداخت معاشات پارلمان های پوشالی، خریداری بوت و کمربند عساکر بی روحیه و بی هدف ملیشائی نباشد تدوین و مورد اجراء قرار داده است: این ستراتیژی که بر محور سیستم جاسوسی استوار است تحت شعار: عساکر جاسوس شوید و جاسوسان به جبه بروید! ساخته شده، پنیتهای جاسوس را وزیر دفاع و پیتر ایوس جنرال راجاسوس ساختند. و آقای نوری مطمئن باشند که دیگر جیب های سودخواران یانکی خالی شده و تا گلو در قروض و سود دهی غرق استند و این نتیجه تجاوز به یک ملت فقیر ولی مسلح به نیروی ایمان، دارای اراده آهنین و روحیه عشق به وطن و دفاع از نوامیس شان می باشد که یک بار دیگر خاطرات اسلاف استعماری امریکا را به جهانیان به نمایش گذاشتند.

تیت می مه بوله غورخی راباندی مه کره زه په دی افتادگی کی لوی کرنگ یم

بالحترام